



خبرنامه



گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو، روزی که جنبش دانشجویی ایران هر ساله با یاد کردن از آن، تجارب تاریخی و مبارزاتی ارزشمندی را پاس می‌دارد که امروزه چراغ فروزان و روشنی بخش راه مبارزاتی دانشجویان نسل جدید در این برهه زمانی است.

شماره: ۱۷۵

۱۴ آذر ماه ۱۳۸۲

www.komala.org

کومه‌له_سازمان انقلابی رزمکنشان کردستان ایران

هجوم وحشیانه رژیم و معضل پراکندگی...

صفحه ۳

هشتمین جشنواره تئاتر خیابانی در میوان

صفحه ۴

ابتکار مردم سندج بر علیه اعتیاد...

صفحه ۷

افزایش فرار دختران از خانه

خبرگزاری دانشجویان ایران با استناد به بررسی های صورت گرفته، گزارش داده است که در سه سال گذشته، فرار دختران از منزل، سالانه ۲۳ درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش، آمارهای رسمی از توزیع فراوانی فراریان از منزل طی بررسی سه ساله در کشور نشان می دهد که تعداد فرار دختران از ۴۷۹ به ۸۹۲ مورد در این مدت افزایش یافته است.



در همین مدت، نرخ فرار زنان از منزل با رشد سالانه حدود ۳۶ درصد، از ۴۹۰ به ۹۸۷ مورد رسیده است. بر اساس این آمار، در دهه اخیر تعداد فراریان از منزل در کل جمعیت کشور با نرخ رشد سالانه ۱۶/۵ درصد، از ۱۶۳۹ مورد به ۲۵۹۲ مورد رسیده است که در این میان، ۱۶ تا ۱۸ ساله ها، بیشترین طیف سنی فراریان را تشکیل می دهند.

اطلاعیه دبیر خانه کومه‌له:

دفاع از مبارزه کارگران بر علیه "طرح اشتغال موقت"، یک وظیفه همگانی

بیش از یک هفته است که شاهد اعتراض و مبارزه کارگران در سراسر ایران بر علیه طرح جدید ضد کارگری مجلس هفتم دایر بر خروج کارگران موقت و قراردادی از شمول قانون کار هستیم. در این اعتراضات دهها هزار کارگر از سراسر ایران شرکت نموده و میروند تا در ادامه خود به یک حرکت گسترده و جدی بر علیه کلیت رژیم تبدیل شود. مجلس هفتم در ادامه سیاستهای ضد کارگری رژیم و مجلس ششم، طرحی را در دست بررسی دارد که مطابق آن کارگران قراردادی و موقت نیز از شمول قانون کار خارج میشوند و این سیاست ضد کارگری قریب یک

نامه حزب سوسیالیست هلند به کمیته کومه‌له در هلند

برای اطلاع آقای فایق محمودی دوستان گرامی، یکبار دیگر از شما تشکر می‌کنیم برای اطلاعاتی که در رابطه با ایران در اختیار حزب سوسیالیست هلند گذاشتید و در همین جا می‌خواهیم پوزش خودمان را خواستار شویم برای تاخیری که شما در نامه‌تان بر نقض حقوق بشر در ایران تاکید کرده‌اید و همچنان در میان گذاشت و توجه حـزب وزیر امور خارجه و سوسیالیست را به مجلس شورای ملی مسئله آقای اسماعیل محمدی که به ناحق از جلوگیری از اعدام آقای طرف جمهوری اسلامی اسماعیل محمدی، به اعدام محکوم شده اقدام عملی، جدی و است و خواهان اقدام فوری به عمل آورند. عملی ما و دولت هلند با تشکر مجدد از شما، این را خاطر نشان شده‌اید. دوستان گرامی روز ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۴ نماینده ما در پارلمان، خواهیم گذاشت. مسئله آقای محمدی را با وزیر امور خارجه هلند

هشتمین جشنواره ادبی-فرهنگی "گه‌لاویژ" در سلیمانیه آغاز به کار کرد

هشتمین جشنواره ادبی-فرهنگی "گه‌لاویژ" روز شنبه ۴ دسامبر برابر با ۱۴ آذرماه ۱۳۸۲ در سالن سلیمانیه مرکز جوانان شهر سلیمانیه آغاز گردید. این جشنواره بمدت ۱ هفته یعنی از تاریخ ۴ الی ۱۰ دسامبر به طول خواهد کشید. از نویسندگان، شعرا و ادیبانی از تمامی کردستان و دیگر کشورها از جمله ایران و عراق برای شرکت در این جشنواره دعوت بعمل آمده است.



عمر ایلخانی‌زاده

جنبش کردستان، دمکراسی در

ایران، اتحادها و ائتلافها

(۱)

جنبش انقلابی در کردستان در شرایط کنونی سیاسی و با ترکیب بندی سیاسی موجود در آن و هم به دلیل سابقه تاریخی و وزنی که در مبارزات و معادلات سیاسی ایران داشته و پیدا نموده است، بدون شک یکی از ارکان جنبش دمکراتیک در ایران و یکی از میدانهای منازعه مابین نیروهای مختلف سیاسی است. یا بهتر است بگوییم که هر جریان و یا گرایش اپوزیسیون به فراخور منافع و سیاستها و آرزوهایش با آن برخورد مینماید و تلاش می‌ورزد تا غیر مستقیم رنگ و بوی خاص خود به آن بدهد و یا به زبان دیگر حداقل در فکر ائتلافی موقت، تاکتیکی و یا پایدار و استراتژیک با این جنبش است و در یک کلام مخالف و موافق نمی‌توانند نسبت به آن بی‌توجه باشند.

البته در درون کردستان نیز گرایشهای موجود هرکدام تلقی خاصی از توان، ظرفیت و اهداف جنبش آزادی و دمکراسی خواهی در سراسر ایران و رابطه‌اش با جنبش کردستان دارند. اصل ضرورت همکاری اپوزیسیون و امر اتحاد و همبستگی ملیتهای ساکن در ایران و مبارزه متحدانه‌شان بر علیه رژیم و سیستم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، از همه نیروها و گرایشات موجود در جنبش کردستان میطلبد تا خط مشی...» ۲

پیروز باد جنبش انقلابی خلق کرد



ادامه جنبش کردستان.....

معینی را در برابر اپوزیسیون سرنگونی خواه در پیش گیرند. عوامل فوق چه در سطح سراسری و چه در سطح کردستان مسئله رابطه جنبش کردستان و اپوزیسیون ایرانی را هم ضروری و هم پیچیده نموده است و به طور کلی میتوان گرایش و یا طیفهای زیر را تشخیص داد:

اولاً در سطح سراسری طیفی از اپوزیسیون اعم از "چپ" و یا "دمکرات و لیبرال" ایرانی هرچند با زبانهای و گاه نیت متفاوت اما با میانی مشترک، از انکار تنوع ملی و تک ملیتی بودن ایران سخن میگویند و حداکثر اصل مبهم حقوق شهروندی برای اقوام ایرانی مورد اشاره قرار میگیرد و با تأکید بر یکپارچگی خاک ایران و برجسته نمودن لولوی تجزیه طلبی، میخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند. بخشی دیگر اصل لامرکزی بودن و توزیع قدرت مابین مناطق مختلف در ایران را میپذیرند، ولی مبنای ملی و جغرافیایی را انکار میکنند و با وجود نیت متفاوت، در واقع به شیوه دیگری بر استحاله ملی اصرار میورزند. بخش دیگری از اپوزیسیون دمکرات و آزادیخواه که هم دارای وزن اجتماعی و ریشه مردمی هستند بر اصل وجود و حقوق ملیتهای ایرانی و دفاع

روشن از جنبش کردستان و حقوق دیگر ملیتها تأکید مینمایند و مبارزه برای عدالتخواهی و دمکراسی و پایند بودن به این اصول را مینا قرار میدهند.

ثانیاً در سطح کردستان نیز دسته‌ای بر جدایی کامل جنبش کردستان و اهدافش از جنبش عمومی مردم ایران اصرار دارند و قادر نیستند و یا نمیخواهند تا نقاط مشترک و هم سرنوشتی موجود مابین مردم ایران را به تمامی ببینند و در نتیجه به امر جنبش دمکراسی در ایران عملاً بی‌توجهند و عرق ملی گرایی در برابر دیگر ملیتها را خواسته و ناخواسته، باد میزنند و حداکثر خواهان تنظیم رابطه‌ای دیپلماتیک با اپوزیسیون ایرانی هستند و مردم و جنبش کردستان را به انزوا سوق میدهند و از متحدان طبیعی دور میسازند. گرایش عمومی‌تر در جنبش کردستان که نیروهای جدی و مسئول را دربر میگیرد ضمن تأکید روشن و بی‌چون‌وچرا بر حقوق ملی مردم کردستان، امر همبستگی و هم سرنوشتی مبارزات مردم کردستان با جنبش دمکراسی و آزادیخواهی در دیگر نقاط ایران را هر چند در مواردی با تأکیدهای متفاوت، برجسته نموده و برای تحقق آن در تلاشند.

با توجه به همه واقعیات فوق اتخاذ و اعلام اصولی و پایه‌های روشن و بی‌ابهام برای تعریف رابطه جنبش رهایی‌بخش مردم کردستان و جنبش دمکراتیک، آزادیخواهان و عدالت‌جویانه مردم ایران از یکسو و نحوه همکاری نیروهای سیاسی و اپوزیسیون کرد و ایرانی از سوی دیگر، به ضرورتی سیاسی و امروزی تبدیل شده است و در این نوشته سعی میکنیم هرچند به صورت مختصر، این پرسشها را از نظر کومه-له بار دیگر برشمرده و توضیح دهیم:

۱- اصل چند ملیتی بودن و حق تعیین سرنوشته ملی برای مردم کردستان و دیگر ملیتهای ایرانی اصلی است تخطی‌ناپذیر و همزمان ضرورت همسرنوشتی و با هم بودن مردم ایران در یک سیستم فدرالی از نظر ما تأمین‌کننده منافع همه ملیتهای ایرانی و زندگی برادروارشان باهم و یکی از ارکان تأمین و تضمین دمکراسی و هنر و نوع اتحادی برای دمکراسی و با اپوزیسیون در ایران باید باشد و نیروها و جنبش مردم کردستان در پافشاری بر این اصل نباید به هیچوجه کوتاه بیایند و زمینه‌ای برای ابهام باقی نگذارند.

۲- همصدا و یکپارچه بودن جنبش کردستان برای اعلام خواستههای ملی در برابر حکومت

جمهوری اسلامی و تنظیم مناسبات و فرهنگ دمکراتیک در این جنبش از نیروهای سیاسی فعال در کردستان میطلبد تا بر روی پلاتفرم روشنی توافق نمایند و همانطوریکه پیشتر تأکید نموده‌ایم این پلاتفرم مبنای ایجاد یک جبهه کردستانی قرار گیرد تا جنبش کردستان بتواند بر این مینا به اتحاد و ائتلاف با اپوزیسیون متنوع ایرانی بپردازد. این امر امکان میدهد تا در محور یک رکن مهم دمکراسی که عبارت از حقوق ملیتهای ایرانی و تنظیم مناسبات مابین آنهاست، صفتبندی معین و روشنی نیز در میان اپوزیسیون ایرانی شکل بگیرد و هم خواستههای ملی و دمکراتیک مردم کردستان شفاف و بی‌ابهام در انتظار عمومی قرار گیرند.

۳- از نظر ما جنبش کردستان باید صریحاً در جبهه دمکراسی و ترقیخواهی در ایران باشد و تقویت و همکاری با این گرایش در سطح سراسری را مد نظر داشته و در این مرحله به روشنی و خارج از تعارف و دیپلماسی خود را در این صف تعریف نماید. ما این سیاست را به نفع خود جنبش و مردم کردستان نیز میدانیم.

"در شماره بعدی خبرنامه ما وظایف نیروهای سراسری و رابطه-شان با جنبش انقلابی در کردستان را مورد بحث قرار میدهم."

زنان و معضل دستیابی به فرصتهای شغلی

تهیه و تنظیم: فریبا محمدی

عنوان شده و این بیانگر آن است که بازار کار جهانی در سال گذشته با ۸/۷۷ میلیون زن بیکار و جویای کار مواجه بوده است. امروزه مشکلات زنان نه تنها بیکاری، بلکه عدم دسترسی به مشاغل مناسب و شایسته‌ای است که بتواند برای آنها حقوق و مزایای شغلی یکسان و امنیت اجتماعی به ارمغان آورد. در تحقیقاتی که به عمل آمده، عیان گشته با وجود آن که ۶۷ درصد ساعت‌های کاری جهان متعلق به نان است، تنها ده درصد درآمد جهان را زنان کسب می‌کنند و مالکیت یک درصد دارایی جهان مربوط به زنان است و این نشانه فرودستی زنان می‌باشد که با وجود ۶۷ درصد ساعت کار، اما یک درصد از دارایی جهان به آنان تعلق دارد. تلاش روزمره زنان برای افزایش سهم خود از پستهای مدیریتی بسیار کند پیش رفته، به طوری که سهم زنان از مشاغل حرفه‌ای در فواصل زمانی ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ افزایش ۷ درصدی داشته است.

با نگاه به چنین آمارهایی، به عمق نابرابریهای جنسی در جامعه سرمایه‌داری معاصر پی می‌بریم و به نتیجه می‌رسیم که بقایای سنتها و الگوهای اجتماعی عقب افتاده که مردان را فرادست و زنان را فرودست

با رشد صنعت و در نظام سرمایه‌داری، زنان توانسته‌اند در مشاغل خارج از خانه حضور داشته باشند و این تا حدودی موفقیت‌های چشمگیری را برای آنها به ارمغان آورد. اما با گذشت سالیان و دهه‌های متمادی از این روند، هنوز زنان در رسیدن به مشاغل عالی رتبه دچار مشکلات بیشمار هستند. گزارشهای سازمان بین‌المللی کار، حاکی از افزایش روزافزون سهم زنان در بازار کار جهانی است. در تلاشهای زنان برای در هم شکستن موانع و عواملی که آنها را از دستیابی به مشاغل عالی‌رتبه باز می‌دارد، موفقیت‌هایی دیده می‌شود، اما این روند به قدری آهسته و نا منظم می‌باشد که نتوانسته تغییرات اساسی بوجود آورد.

طبق گزارشها، بالاترین نرخ بیکاری و پایین‌ترین حقوقها به زنان اختصاص دارد، به طوری که ۶۰ درصد از کل جمعیت کارگران ۵۵۰ میلیونی کم بضاعت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. در سراسر جهان شکاف میان زنان و مردان به طرز چشمگیری نمایان است. البته در خاورمیانه، آفریقای شمالی و آسیای جنوبی این شکاف بیشتر است. بر اساس آمارهای ارایه شده از سوی سازمان بین-المللی کار، نسبت نرخ بیکاری زنان به مردان در سال ۲۰۰۳ به ترتیب ۴/۶ و ۱/۶ درصد

می‌انگارد، در واقع در خدمت بقا و تداوم این نابرابریهای جنسی است. از طریق این سنتها و الگوهای برتری مردان نسبت به زنان، به صورت کلیشه‌ای نسل به نسل به فرزندان ما آموزش داده می‌شود و مردان را همچنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در موقعیت ممتاز باقی می‌گذارد.

با نگاهی به جامعه ایران، عمق بی حقوقی زنان بیشتر آشکار می‌شود، به طوریکه زنان در ایران فقط ۱۳ درصد مشاغل را در دست دارند و بقیه زنان خانه‌دار و خدمتگزارانی هستند که فقط و فقط در خدمت مردان هستند. اگر بخواهیم دلایل محروم بودن زنان از مشارکت در مشاغل و پست‌های مختلف را بدانیم، دلایل بسیاری هستند که مانع آنها می‌شود و اما در این جا به برخی از آنان اشاره خواهیم کرد: فرهنگ کهن، مذاهب و سیستمهای مختلف در بی‌حقوقی زنان، نقش داشته‌اند و در طول سالیان متمادی که زنان از بسیاری حقوق خویش محروم بوده‌اند، این بی‌حقوقی به باور زنان تبدیل شده که کارهای خانگی و بچه‌داری را از مهمترین کارهای خود دانسته و آن را در اولویت قرار داده‌اند. زنان با چنین تفکری کمتر در جستجوی دستیابی به مشاغل و مسئولیتهای بالاتر اقدام کرده‌اند همین باعث شده اجحافات و ستم اعمال شده از سوی مردان و جامعه را احساس نکنند.....» ۷

هجوم وحشیانه رژیم و معضل پراکندگی کارگران

فرامرز سجیم

می‌دهد، اما در واقع سد بزرگی بر سر راه اعتراضات اصیل کارگری شده و تمام هم و غم آنان اینست که اعتراضات اصیل کارگری از کنترل آنان و در واقع از کنترل رژیم خارج نشود. خانه کارگر اصلی ترین دشمن ایجاد سندیکاها کارگری بوده و دهها اعتصاب و اعتراض خود جوش را با نفوذ خود در آن با شکست مواجه ساخته است. اکنون کارگران ایران، بیش از هر زمان دیگری به حمایت و پشتیبانی نیازمندند. خصوصا نیاز به حمایت از کارگران برای ایجاد سندیکاها مستقل کارگری بیش از هر زمان دیگری احساس میشود که میتواند به وزنه‌ای در مقابل رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تبدیل شود. این امر وظیفه تمامی کسانی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی عظیم کارگران ایران تکیه کرده و بر این عقیده‌اند که بدون دخالت و شرکت جنبش کارگری ایران در جریان سرنگونی رژیم، بر چیدن این رژیم غیر ممکن خواهد بود.

ادامه اطلاعیه دبیرخانه...

این طرح در مجلس هستند بلکه خواهان لغو مصوبه‌های پیشین دایر بر خروج کارگاههای کوچک و کارگران قالبیاف از شمول قانون کار هستند و این اعتراضات نه تنها توسط کارگران قراردادی بلکه از جانب کارگران دایمی نیز مورد پشتیبانی است و می‌توان گفت که طبقه کارگر ایران به این نتیجه رسیده است که باید در این سنگر جدید به مبارزه‌های سرنوشت ساز بپردازد و سنگری به پهنای سراسر ایران در برابر رژیم و سرمایه‌داران قرار دهد. کومه‌له فعالانه از مبارزات و مطالبات کارگران برای لغو طرحهای ضد کارگری پیشین و پس گرفتن طرح جدید "اشتغال موقت" پشتیبانی میکند و همه نهادها و سازمانهای مترقی و آزادیخواه را برای دفاع از کارگران ایران فرا میخواند و از همه مردم کردستان درخواست میکند که از مبارزات کارگران فعالانه دفاع نمایند.

دبیرخانه کومه‌له- سازمان انقلابی رزمتمکشان کردستان ایران
۱۱ آذر ماه ۱۳۸۳ برابر با اول دسامبر

با پانزده کارگر داشتند، کارگاههای خود را به بخشهایی با پنج کارگر و کمتر تبدیل کردند تا از شمول قانون کار خارج شوند. بخش دیگری از کارفرمایان که ۶ و ۷ کارگر را داشتند اقدام به اخراج تکی چند از کارگران خود کردند تا بتوانند از چنین هدیه-ای برخوردار گردند. به این ترتیب دهها هزار کارگر به صفوف بیکاران پیوستند. پتک سنگین این قانون بیشتر بر مناطق توسعه نیافته و محروم تاثیر گذاشت. زیرا در مناطق محروم چون کردستان، سیستان و بلوچستان و آذر بایجان غریبی.....، کمتر مراکز صنعتی و کارگری وجود دارد که تعداد فراوانی کارگر را در بر گیرند.

دومین گام در محرومیت هر چه بیشتر کارگران از حقوق خویش، معاف کردن اداره بیمه و سازمان تامین اجتماعی از تحت پوشش قراردادن کارگران قراردادی بود که مجلس ششم در واپسین ماههای حضور سیاه خود آن را به تصویب رساند. به این ترتیب دامنه استثمار بیشتر صدها هزار کارگر توسط کارفرمایان و جمهوری اسلامی مهیا گردید. اکنون مقاومت و مخالفت کارفرمایان در برابر بیمه کردن کارگران خود، حتی کارگران با سابقه از هر زمان دیگری بیشتر است. مهمتر از همه باید به این امر توجه داشت که کارگران آن دسته از کارخانجاتی که از رقم پنج کمتر هستند نه تنها شمول قانون کار نمی‌شوند بلکه از حق بیمه نیز محروم گشته‌اند. بی شک رژیم جمهوری اسلامی از فرصتهای موجود از جمله پراکندگی کارگران و اعتراضات کارگری و غیر قانونی بودن فعالیت جریان‌های چپ و کارگری در داخل ایران نهایت استفاده را برده و به ضدیت تمام خود با کارگران ادامه می‌دهد. روشن است که در این میان، رژیم جمهوری اسلامی، بهره فراوانی از توطئه گریبهای خانه کارگر برده و می‌برد. خانه کارگر این نهاد به ظاهر کارگری و در باطن ضد کارگری، اگر چه اعتراضات کوچک و گاهی میانه کارگری را سازمان

تولیدی از سال ۸۰ پرداخت نشده است. کمتر کارخانه و کارگاهی وجود دارد که نیروی کار خویش را به علل گوناگونی از جمله افت قیمتها در بازار و نوسازی ابزارها و تکنولوژی کاهش نداده باشد. از سال ۸۱ تاکنون بر طبق آمارهای خود رژیم بیش از دویست هزار کارگر به صفوف بیکاران رانده شده-اند. لشکر بیکاران به نسبت کارگران شاغل، روز به روز در حال افزایش است. بنا به آمارهای رسمی ۳ میلیون بیکار در ایران وجود دارد، اما آمارهای غیر رسمی از بیش از ۶ میلیون بیکار حکایت دارد.

تاکنون ایجاد تشکلهای سندیکاها کارگری که حامی کارگران در مقابل طمع بی‌پایان سرمایه‌داران و دشمنی سرسختانه رژیم باشد به دلیل ضدیت رژیم و ایجاد تشکلهای صنفی زرد، متوقف گشته است که چنین تشکلهایی به هیچ عنوان باری را از دوش کارگران کم نخواهند کرد. این امر باعث گردیده که کارگران نتوانند به نیروی اساسی در برابر رژیم تبدیل شده و تجاوزات رژیم حامی سرمایه‌داران را به حقوق خود خنثی سازند. ایجاد سندیکاها کارگری، به علت ضدیت فراوان رژیم با آنها به آرزویی دست نیافتنی برای کارگران تبدیل شده است. در دو سال گذشته، جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی آن، با تصویب قاطع دو طرح ضد کارگری، گامی دیگر در تجاوزات خویش برداشته‌اند. مجلس ششم طرحی را تصویب کرد که به موجب آن کارگاههای با کمتر از پنج کارگر از شمول قانون کار خارج شدند. البته در ابتدای کار، در این طرح کارخانه‌جات کمتر از ده کارگر عنوان شده بود که با افزایش فشارهای کارگری و اعتراضات پیوسته سازمان جهانی کار به کارخانه‌های با پنج کارگر و کمتر تقلیل یافت. این قانون ضد کارگری صدها هزار کارگر را از حقوق خویش محروم ساخت. چرا که بخش عظیمی از صاحبکاران که ده

یکی از مشکلات اجتماعی که جمهوری اسلامی در طول حاکمیت خویش با آن درگیر بوده است معضل جامعه کارگری ایران و اعتراضات دامنه‌دار است. میتوان گفت که بیکاران، کارگران اکثر صنایع و کارگران غیر صنعتی نیز همواره بوسیله قوانین ضد کارگری رژیم، بیش از پیش از حقوق خویش محروم گشته‌اند که این امر اعتراضات کارگری را در ابعاد متفاوت باعث گردیده است.

در مجموع، اعتراضات کارگری در تمام سالهای حاکمیت رژیم اسلامی، بغیر از چند مورد، از جمله، اعتصاب سراسری کارگران صنعت نفت که به جنبش نفتگران موسوم گشت، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، اخراج کارگران و شماری از مطالبات روزانه مربوط به محل کار و کمبود امکانات صورت گرفته و مطالبات مربوط به افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار در این اعتراضات به حاشیه افتاده‌اند.

به سخنی دیگر، کارگران ایران در مقابله با کارفرمایان همواره در موضع دفاعی بوده‌اند. اکنون برای سالیان متمادست که طرح مطالبات کارگری صورتی تکراری به خود گرفته است. پایمال کردن بیش از پیش بندها و تبصره‌های قانون کار و تصویب چندین طرح ضد کارگری از سوی مجلس ششم که به مجلس ضد کارگری نیز مشهور گشت و پیگیری فعالیتهای ضد کارگری مجلس ششم از سوی مجلس هفتم و تکیه سرمایه‌داران و صاحبکاران به حمایت رو به گسترش دولت از آنان عواملی هستند که باعث به راه افتادن ده-ها و صدها اعتراض کارگری در چند سال گذشته شده است. تنها در دو ماه گذشته، دهها تجمع اعتراضی از سوی کارگران صنایع گوناگون در سطح شهرهای کوچک و بزرگ انجام گرفته که اهداف ضد کارگری رژیم را نشان رفته است. میتوان از دهها واحد تولیدی و صنعتی نام برد که ماههاست حقوق کارگران خویش را پرداخت نکرده‌اند. در تعدادی از شرکتها و کارخانجات به تعویق افتادن دستمزدها برای یک سال و دو سال صورت گرفته، بیمه بیکاری به دهها هزار کارگر بیکار شده پرداخت نشده و عیدی و مزایای کارگران تعداد زیادی از شرکتها و واحدهای



گزارشی از منطقه سقز

از روستای باشبلاخ، از توابع منطقه فیض‌الله‌بیگی سقز، نامه‌ای از طرف کسی که خود را زیویه - کرفتو معرفی کرده به دستمان رسیده است. در این نامه آمده است که چند هفته قبل، ساعت ۷ الی ۸ شب بود که خبری تازه بعد از سالها به گوشمان رسید، ببینید چه کسی آمده است؟! بعد از چند لحظه متوجه شدیم که پیشمرگهای کومه‌له آمدند داخل روستا. این خبر به سرعت در تمام روستا منعکس شد. نوجوانان و جوانان، تمامی درهای خانه‌ها را می‌کوبیدند و از اهالی روستا مژده می‌خواستند. در جلوی هر در و پنجره‌ای زنان و دختران همچون انگشت‌های دست ایستاده بودند و از سرور و خوشحالی به پیشمرگان خوشامد می‌گفتند. بعد از مدتی، در وسط میدان روستا، زنان و مردان پیر و جوان، حلقه‌ای را بدور تعدادی از پیشمرگان که در آنجا مستقر بودند، درست کردند. آنها پیشمرگان را در آغوش می‌گرفتند. بعد از خوشامد گویی مردم به رفقای پیشمرگ، یکی از رفقای پیشمرگ برای مردم سخنرانی نمود و سپس سی دی و تراکت‌های کومه‌له در میان مردم بخش نمودند. بعضی از مردم مشکلات و درد دلهایشان را برای پیشمرگان مطرح میکردند. در آخر هم مردم با خوشحالی فراوان پیشمرگان کومه‌له را بدرقه نمودند.

مسمومیت دانش آموزان

در کرمانشاه

به گزارش خبرگزاریها، آلودگی شیر رایگان چند تن از دانش آموزان یکی از دبستان های روستای «سراب نیلوفر» کرمانشاه را مسموم کرد. معاون امور بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان کرمانشاه با تأیید این مطلب گفت: چندین پاکت شیر استرلیزه مربوط به یکی از کارخانه های خارج از استان به دلیل پایین بودن کیفیت بسته بندی، فاسد شده بود.

عدم هرنوع احساس مسئولیت مسئولین ذیربط کرمانشاه در برابر جان دانش آموزان، سلامت جسمانی آنها را بشدت در معرض خطر دچار شدن به انواع مسمومیت و بیماریها قرار داده است.



اخبار کردستان

درگذشت یکی از شاعران خوشنام کرد

در منطقه فیض‌الله‌بیگی

بنا به خبری که از منطقه فیض‌الله‌بیگی به ما رسیده است، در تاریخ ۸۲/۸/۲۷ قلب یکی از شعرای منطقه فیض‌الله‌بیگی سقز و بوکان، علی سلیمی بابا میری متخلص به (په‌شیو)، در سن ۶۷ سالگی و به علت عارضه کبد از تپیدن باز ایستاد. علی سلیمی، از شعرای کلاسیک، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در روستای "قاشق" منطقه فیض‌الله‌بیگی سقز و در خانواده‌ای مشهور دیده به جهان گشود. این شاعر مردمی اگر چه در میان خانواده‌ای مالک می‌زیسته است اما سختیها و مشقات زیادی را در زندگی متحمل شده است به گونه‌ای که رنجها و نابرابریهای جامعه خود را به گونه برجسته‌ای در اشعارش به نمایش گذاشته و بافت سنتی جامعه‌اش را مورد انتقاد شدید قرار داده است.

هر چند اشعار "په‌شیو" تصاویر فراوانی از دردها، نابرابریها و سنتهای دست و پاگیر جامعه‌اش را به نمایش می‌گذارد، اما از سوی دیگر، این اشعار مملو از احساسات لطیف، عواطف شاعرانه و عشق و سرزندگی است. نازک خیالی و طبیعت‌گرایی این شاعر پر احساس در لابلای اشعارش به چشم می‌خورد. از سوی دیگر این اشعار به لحاظ زیبایی شناختی و تکنیک‌های شعری از سطح بالای برخوردار است. "په‌شیو" اگر چه در زبان و فورم شعری تحت تاثیر شعرای کلاسیک کردی به خصوص نالی بوده است اما اشعارش دارای سبکی خاص و مربوط به خود می‌باشد. حاصل زندگی شاعرانه "په‌شیو" چند دفتر است که قسمتهای از آنها در کتابی به عنوان "داویتی گول" گردآوری شده است. لازم به ذکر است که اشعار از این شاعر محبوب، در مجلات مختلف به خصوص سروه به چاپ رسیده و در انجمنهای مختلف قرائت شده است.

فقدان این شاعر نازک خیال و مردمی عارضه‌ای گرانبار برای جامعه شعری کردستان است به همین دلیل فوت وی را به همه شعرای کردستان و ادیبان این منطقه تسلیت می‌گوییم. شایان ذکر است که این شاعر از بستگان نزدیک رفقا فاروق بابامیری و ناصر بابامیری می‌باشد، ما از این طریق به رفقای گرامیمان و همچنین به بستگان وی تسلیت گفته و خود را در غم آنان شریک می‌دانیم.

کشته شدن دو برادر میروانی بر اثر تصادف

بنا به خبری که از شهر میروان به ما رسیده است، چند روز پیش، دو برادر میروانی، با نامهای "هیوا" و افشین کریمی" در یک سانحه رانندگی در مسیر بوشهر جان خود را از دست می‌دهند. لازم به ذکر است که نامبردگان تکنسین امور نفت در شرکت پتروشیمی نفت بوشهر بوده‌اند. همچنین افشین یکی از فعالان سیاسی و چپ بوده که به کومه‌له سمپاتی داشته و هیوا نیز از فعالین کومه‌له بوده است. خبر مرگ افشین و هیوا، موجب تأسف فراوانی در میان کارگران شرکت نفت بوشهر که حدود دو هزار نفر هستند، شده است. ما از این طریق همدردی خود را با کارگران، دوستان و مخصوصاً خانواده کریمی ابراز می‌داریم و خود را در غم و اندوه آنان شریک می‌دانیم.

جوان ۲۲ ساله خود را حلق آویز نمود

به گزارش خبرگزاری کردستان شرقی، روز ۱ دسامبر برابر با ۱۱ آذرماه ۱۳۸۲ جوانی ۲۲ ساله بنام فواد زاله اهل سنندج و ساکن محله "مسنانو" در پارک "امیریه" خود را حلق آویز نموده و به زندگی خود پایان داد. نامبرده مدتی پیش با پدر خود دارای اختلافاتی بوده و کارشان به درگیری کشیده شده بود.

هشتمین جشنواره تئاتر خیابانی

در میروان

هشتمین جشنواره تئاتر خیابانی میروان از روز سه شنبه ۱۰ آذرماه در شهر میروان آغاز و به مدت ۴ روز برگزار شد. در این جشنواره که با تلاش انجمن تئاتر و موافقت اداره ارشاد اسلامی میروان برگزار گردید و تا ۱۳ آذرماه ادامه داشت، ۱۴ نمایش از شهرهای ملایر، کرج، کرمانشاه، ورامین، ایلام، دهلران، گنبدکاووس، مرند، تبریز، بروجن، اراک، به نمایش درآمد. چهار نمایش برگزیده این جشنواره مستقیماً راهی جشنواره بین‌المللی "فجر" امسال خواهند شد. جشنواره تئاتر خیابانی میروان روز جمعه ۳ دسامبر ۲۰۰۴ برابر با ۱۳ آذرماه ۱۳۸۲ با معرفی آثار برگزیده و تقدیر از برگزیدگان خاتمه یافت. در این جشنواره ۱۵ تئاتر از ۱۴ استان کشور به نمایش درآمدند که از این تعداد ۱۴ اثر در بخش مسابقه و یک اثر در بخش جنبی در ۳ روز به اجرا درآمدند. این جشنواره با ۴۷ اجرا در میادین شبرنگ، جنگلیانی، استادیوم، سبزه میدان، پارک شهر، دبیرستان بیهقی و شهرک کانی دینار برگزار شد و ۱۸ هزار نفر از آثار جشنواره دیدن کردند.

داوران جشنواره عبارت بودند از: حسین رازی، محمود فرهنگ، حسین فرخی. آثار برگزیده برای شرکت در جشنواره بین‌المللی فجر عبارتند از: حصارکارتونی (میروان)، روایتی از سهراب (کرمانشاه) کلکه (برجد) بروجن).

در مراسم اختتامیه بختیار وطنی با "تنبک" و تیفور ناصری با "نی" به اجرای موسیقی پرداختند. همچنین گروه ۱۲ سواره میروان تابلویی از رقص کردی به نمایش گذاشتند. در پایان آرای هیات داوران اعلام و جوایز به برندگان اهداء شد. پس از پایان مراسم اختتامیه آرای هیات داوران با اعتراض شدید اغلب گروه‌های شرکت کننده در جشنواره رویرو شد و موجبات ناخرسندی جمعی از شرکت کنندگان را فراهم نمود.

اخبار ایران



اعلام موجودیت اولین یگان ویژه عملیات

تروریستی در ایران

به گزارش خبرگزاریها، در هفته گذشته، تروریستها و مرتجعین سرسپرده و مزدور رژیم، با پرده برداری از سنگ یادبود مجری بزرگترین عملیات تروریستی استشهادی علیه به اصطلاح کفر جهانی در بهشت زهرا، مراسمی را برپا داشتند. این مراسم به منظور اعلام آمادگی ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام در جنت خانه بهشت زهرا برگزار شد. مجری بزرگترین عملیات تروریستی و استشهادی علیه کفر جهانی که از زمان عملیات تروریستی تاکنون نام وی مخفی و گمنام باقی مانده است، در تاریخ ۱۹۸۳ میلادی برابر با ۱۳۶۲ شمسی در يك عملیات متهورانه توانست بیش از ۳۰۰ نفر از سربازان آمریکایی در لبنان را ترور نماید. به گزارش روابط عمومی ستاد پاسداشت شهدای نهضت جهانی اسلام این ستاد همچنین با اعلام موجودیت و تشکیل یگان ویژه تروریستی استشهادی موسوم به «یگان یحیی عیاش» و آماده عملیات جنایتکارانه، از داوطلبان عملیات استشهادی ثبت نام به عمل خواهد آورد.

اختلاف طبقاتی حاکم بر جامعه،

موجب افسردگی شدید در جوانان شده است

به گزارش خبرگزاریها، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هفتم گفت: آمار اقدام به خودکشی در بین دانش‌آموزان شهرستانی به مراتب بالاتر از تهران است. دکتر حسین علی شهریاری افزود: «اختلاف طبقاتی حاکم بر جامعه موجب افسردگی شدید در بسیاری از جوانان شده است که این امر یکی از علل اصلی اقدام به خودکشی شمرده می شود.



وی گفت: "قطعا آمار اعلام شده مبنی بر خودکشی بیش از ۲۸۰ دانش‌آموز تهرانی طی سال گذشته بیش از همه به مشکلات اجتماعی جامعه بر می گردد،

متأسفانه این آمار در شهرستان هایی نظیر خرم آباد به مراتب شدیدتر است". وی افزود: "البته با توجه به اینکه فرهنگ عمومی شهرهای بزرگ تغییر کرده است، متأسفانه شاهد اختلاف طبقاتی هستیم که این مساله به شدت بر روی قشر جوان و نوجوان موثر است." نماینده زاهدان در مجلس افزود: وقتی دانش آموزی به این نتیجه می رسد که نمی‌تواند با همکلاسی خود در موارد مختلف همپایی کند، قطعاً به يك‌سری کج رفتاری های روانی منجر می شود." شهریاری گفت: قشر جوان به دلیل دامنه تحمل کمتر در برابر ناهنجاری های اجتماعی و اختلاف طبقاتی کم طاقت تر هستند و بروز افسردگی های شدید که زمینه اقدام به خودکشی است، در آنها بیشتر دیده می شود.

تجربه بیست و پنج سال حاکمیت رژیم اسلامی، موجب آسیب دیدگیهای اجتماعی فراوانی در سطح جامعه گردیده که بیش از همه معضلات و عوارض مخرب آن، گریبانگیر قشر جوان جامعه گردیده و نتیجتاً تأثیرات زیانبار بسیار حادی را بر آنان برجای گذاشته است.

اناره اخبار گروستانه

وضعیت وخیم پناهندگان کرد ایرانی

در اردوگاه "الطاش"

به گزارش خبرگزاریها، جنیفر پاگونیس، سخنگوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، در نشستی خبری در شهر ژنو سوئیس، مقر این کمیساریا اعلام کرد که در پی عملیات ارتش آمریکا برای سرکوب شورشیان در شهر فلوجه و استان رمادی در غرب بغداد، پایتخت عراق، حدود دوهزار و هشتصد پناهنده کرد ایرانی که در اردوگاه موسوم به "الطاش" در پنجاه کیلومتری فلوجه زندگی می کنند، بدون حضور نیروی پلیس و بی دفاع در ایمن اردوگاه مانده اند. اردوگاه الطاش در منطقه سنی نشینی قرار دارد که کانون فعالیت‌های گروه‌های مسلح علیه ارتش‌های اشغالگر در عراق بوده است و به گفته خانم پاگونیس، بتازگی طی این درگیریها، افراد مسلح به پاسگاه پلیس درون اردوگاه حمله کرده اند و اکنون این اردوگاه فاقد نیروی پلیس برای برقراری امنیت است. وی همچنین گفته است که یک‌هزار و چهارصد تن از ساکنان اردوگاه، یعنی یک سوم جمعیت آن نیز اردوگاه را ترک گفته اند. به گفته خانم پاگونیس، به دلیل ادامه درگیری در منطقه ای که اردوگاه طش در آن قرار دارد، ارسال مواد غذایی به این اردوگاه متوقف شده است و امدادگران امکان دسترسی به اردوگاه را ندارند. طی بیست سال گذشته حدود سیزده هزار کرد ایرانی که اغلب وابستگان به گروه‌های کرد دیگر با حکومت جمهوری اسلامی در ایران بوده اند در اردوگاه طش می زیستند و در آستانه حمله آمریکا و متحدانش بسیاری از آنان این اردوگاه را ترک گفتند.

اخیراً که یک‌هزار و چهارصد تن از ساکنان اردوگاه از آن خارج شدند، کمیساریای عالی پناهندگان احتمال می داد که آنان روانه مناطق کردنشین شمال عراق شوند یا اینکه برای خروج از عراق بسوی مرز اردن بروند اما بنابر گزارشها، تنها سیزده خانواده از آنها خود را به شهر سلیمانیه در کردستان عراق رسانده و مورد مصاحبه این کمیساریا قرار گرفته اند. گزارشها همچنین حاکی از این است که دویست و دو آواره کرد ایرانی که در بیابانهای مرز عراق و اردن به سر می برده‌اند، از امان، پایتخت اردن به کشور سوئد فرستاده شده اند. این افراد نیز که همچون ساکنان اردوگاه طش سالها پیش از ایران گریخته بوده اند در دوران جنگ ایران و عراق در زندان به سر می برده اند و پس از جنگ آزاد شدند و به عنوان پناهنده به زندگی در عراق ادامه دادند. به گفته سخنگوی کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، قرار است یکصد و هشتاد و دو آواره کرد ایرانی نیز اوائل ماه آینده میلادی از اردن به سوئد فرستاده شوند و ششصد و چهل و دو تن دیگر از آنان هنوز در بیابانهای مرز اردن و عراق به سر می برند که این کمیساریا در تلاش برای سکنی دادن آنان در کشوری ثالث است.

ساعات پخش:

روز	۱۰:۳۰	۴۹ متر برابر با ۱۰۶ کیلو متر
شب	۸:۳۰	۶۵ متر برابر با ۱۴۶ کیلو متر
صبح	۷	۷۵ متر برابر با ۱۳۹ کیلو متر

بر روی طول موج کوتاه ردیف‌های

راديو صدای کومه‌له

در هفته گذشته، در عرصه سیاستهای داخلی، دولت مصوبات جدید مجلس برای برداشت از حساب ذخیره ارزی را خلاف جهت گیریهای اقتصادی دانسته و خواستار مخالفت شورای نگهبان با این مصوبات شده است. در حالیکه مجلس تصویب کرده است مبالغی از این حساب به کمیته امداد و بسیج تخصیص یابد، به گزارش خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - عبدالله رمضان زاده، سخنگوی دولت، هشدار داده است که "برداشت از حساب ذخیره ارزی تورم را بر ضد منافع افشار آسیب پذیر جامعه است و با این وضعیت حساب ذخیره ارزی در عمل به سمت انحلال پیش می رود." به گفته رمضان زاده، بانک مرکزی و اقتصاد ملی کشور توانایی تبدیل این همه ارز به ریال را ندارد و این گونه برداشتها برای مصارف جاری، حجم نقدینگی را افزایش می دهد و به تشدید تورم منجر می شود. با

سالگرد قتل‌های زنجیره‌ای، چند روز پیش در ایران از ساعت دو بعداز ظهر مراسم یادبود محمد مختاری و محمد جعفر پوینده بر سر مزار آنان در مهرشهر کرج برگزار شد. در آغاز این مراسم شعری از محمد مختاری خوانده شد. پس از سخنرانی فریبرز رئیس دانا و سیمین بهبهانی، همسر محمد مختاری و خواهر محمد جعفر پوینده سخنرانی کردند. محمد مختاری و محمد جعفر پوینده دو نویسنده عضو کانون نویسندگان بودند که در پاییز سال ۷۷ توسط چند تن از کارکنان وزارت اطلاعات ایران ربوده و به قتل رسیدند. مهرماه سال ۱۳۷۲، ده سال پیش بیانیه ای با امضای ۱۳۴ نویسنده عضو کانون نویسندگان منتشر شد، بیانیه ای که با این عبارت آغاز می شد: «ما نویسندگانیم». امضاکنندگان این بیانیه در مقام نویسندگان خواستار حق مشروع خود یعنی آزادی بیان شده بودند. در بخشی از این بیانیه نوشته بودند: این حق طبیعی، اجتماعی و مدنی ما



است که نوشته‌مان شعر یا نثر، تئاتر یا فیلم، تحقیق یا نقد و ترجمه آثار نویسندگان دیگر جهان آزادانه وبی خدشه به دست مردم برسد. آنها در این بیانیه کوشیده بودند این درخواست خود را از مسائل سیاسی جدا بدارند. احمد میرعلایی، مجید شریف، غفار حسینی، علی اکبر سعیدی سیرجانی، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده و پیروز دوانی از جمله کسانی بودند که نام خود را در پای این بیانیه گذاشته بودند. در آن زمان آنها همه زنده بودند. چهار سال بعد در پاییز سال ۱۳۷۷ صاحبان هیچ یک از این نام‌ها دیگر زنده نبودند.

رای نمایندگان مجلس، یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی به واردات بنزین، حمایت از خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد و خرید اتوبوس گاز سوز حمل و نقل شهری و کمک به بسیج سپاه پاسداران اختصاص می یابد. نمایندگان مجلس، که با کلیات لایحه پیشنهادی دولت برای تخصیص یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای تامین هزینه واردات بنزین موافقت کرده بودند، در بررسی نهایی تنها بخشی از بودجه درخواستی دولت برای واردات بنزین را پذیرفتند. هفته گذشته، مقارن بود با

بعضی به طرزی مشکوک کشته شدند، بعضی ناپدید شده و هرگز پیدا نشدند و بعضی دیگر روشن شد که به دست عوامل وزارت اطلاعات به قتل رسیده‌اند. اما یک ویژگی در مورد همه آنها مشترک بود، آمران مرگ آنها هیچگاه معرفی و مجازات نشدند. در هفته‌ای که گذشت هئیت رئیسه (شورای حکام) آژانس بین المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۲۹ نوامبر، سرانجام پس از چندین روز بحث و مذاکرات دیپلماتیک، قطعنامه ای درباره فعالیت های اتمی ایران تصویب کرد که در آن از اشاره به احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل خودداری شده است. این قطعنامه از اقدام ایران مبنی بر تعلیق کامل فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم به عنوان گامی "داوطلبانه که برای اعتمادسازی برداشته شده" استقبال کرده است. این قطعنامه که پیش نویس آن توسط سه کشور بریتانیا، فرانسه و آلمان تهیه شده بود، با اجماع ۳۵ عضو شورای حکام و بدون رای گیری به تصویب رسید. قطعنامه شورای حکام تایید می کند که جمهوری اسلامی تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم را که نحوه اجرای آن مورد اختلاف ایران با کشورهای اروپایی بود، متوقف کرده است. آمریکا قطعنامه را مسدود نکرد اما در بیانیه ای به شورای حکام آژانس گفت ایران قبلا در زمینه اتمی جامعه بین المللی را فریب داده و آمریکا حق خود را برای ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت محفوظ می دارد.

کاخ سفید نیز گفت که ایران در گذشته بارها از پایبندی به تعهداتش کوتاهی کرده است. در مقابل حسین موسویان، مذاکره کننده اصلی ایران در امور اتمی، از این قطعنامه استقبال کرد و گفت به خارج شدن پرونده ایران از دستور کار شورای حکام آژانس بین المللی اتمی منجر خواهد شد. وی پیش از تصویب قطعنامه به تلویزیون دولتی ایران گفت که این مثبت ترین قطعنامه ای است که از اواسط سال ۲۰۰۲ تاکنون درباره ایران صادر می شود. آژانس بین المللی انرژی اتمی برای نخستین بار در اواسط سال ۲۰۰۲ تحقیق درباره ادعاهای مربوط به وجود یک برنامه مخفیانه اتمی در ایران را آغاز کرد.

و سرانجام اینکه در هفته گذشته، وزیران کشور و مسئولان امنیتی کشورهای همسایه عراق همراه با نماینده‌ای از سازمان ملل متحد در تهران گرد هم آمدند تا درباره برقراری امنیت در عراق، کنترل مرزهای این کشور، کمک به دولت موقت عراق برای ایجاد آرامش و ثبات و برگزاری انتخابات بحث و تبادل نظر کنند. این نشست دو روزه در سعدآباد در شمال تهران صورت می گیرد و میزبان آن، عبدالواحد موسوی لاری، وزیر کشور ایران است. دولت موقت عراق اعلام کرده است که در نشست تهران، برنامه خود را بر موضوع رفت و آمد تروریستها از مرزهای این کشور متمرکز خواهد کرد که بنابر آنچه منابع اطلاعاتی آمریکایی و عراقی ادعا می کنند، بیشتر از طریق مرز ایران و سوریه انجام می گیرد. ایران همواره این اتهامات را تکذیب کرده است.

برخی آگاهان بر این باورند که برگزاری نشست امنیت عراق در تهران، در واقع بخشی از تلاش دولت ایران برای جلب نظر دولت عراق و جامعه بین المللی به نقش مثبتی است که می تواند در زمینه تأمین امنیت عراق ایفا کند. در این راستا، وزارت کشور ایران بیشتر پیشنهاد داده بود که آموزش مرزبانان و پلیس عراق را به عهده بگیرد.





حال مردمی تبدیل گردد تا نه تنها فروش و پخش علنی موادمخدر به آرزوهای بیبوند بلکه پخش و فروشهای مخفیانه نیز از ترس اقدامات مردمی به شدت کاهش یافته و کم‌کم آن نیز از بین برود. فروش آزاد و بیشرمانه مواد مخدر در کردستان توسط عاملین خرده پا در سایه آمر اصلی آن یعنی خود جمهوری اسلامی است. این ابتکار مردمی در سنجیدگی در واقع این سیاست مخرب رژیم را به چالش کشید و در ادامه با اقدام به تظاهراتهای گسترده علیه مروجان اعتیاد و روسای برده‌نشین آن میتوان به یک کارزار عمومی در سراسر کردستان اقدام نمود. مقابله‌ی جدی مردمی علیه مسئله اعتیاد در کردستان میتواند پیوندهای عوامل اصلی فروش و پخش موادمخدر با عوامل اطلاعات و دیگر ارگانهای مربوطه رژیم در این خصوص را پاره کند و چشم‌پوشیهای تاکتونی را محدود نماید. وارد شدن قدم به قدم مردم کردستان و نهادهای مستقل از حاکمیت به دروازه مبارزه قاطعانه با اعتیاد میتواند در گرفتن امتیازهای مثبت در آینده موثر باشد و عاملین و آمرین پخش و توزیع مواد مخدر به سادگی‌های تا کنونی از مخمصه رهائی نیابند. طرحها و ابتکارات تازه مردم شهر سنجیدگی در همان حال که نباید محدود بماند و به فکر آتیهای جدیدتر برای مبارزه با اعتیاد باشد، می‌بایست که به دیگر شهرهای کردستان برده شود و سنگر مبارزه مردمی در همه جای کردستان علیه اعتیاد تقویت شود.

رژیم نه فقط با یک حزب و یا جریان خاص بلکه با تمام کردهای ایرانی، جنبش زنده و مقاوم آن و خواستههای حق‌طلبانه‌اش در ستیز است، باید در ادامه ابتکارات مردم شهر سنجیدگی به سوی متدهای تازه‌تر در این خصوص رفت و فشار مردمی بر علیه سیاست پخش مواد مخدر را به همه شهرها و مناطق کردستان

و پخش کنندگان مواد مخدر حمله برده و با آنها و مأموران انتظامی درگیر شده‌اند. این ابتکار تازه مردم شهر سنجیدگی به واقع ستودنی و قابل ارج گذاری است، چرا که این مردم در همان حال که اخراج و طرد کردن و بیرون انداختن عاملین و پخش کنندگان موادمخدر را از محلات شهر به اجرا درآورده‌اند، امکانهای

مردمی میتوان به تشکلهای کوهسوردی، گروههای ورزشی و انجمنهای مقابله با اعتیاد و ایجاد نهادهای توانبخشی و... اشاره کرد. تشکیل و سازمان دادن چنین تشکلهای و جمععاتی که در لوای ورزش و... قصد زدودن ناپاکیهای جامعه را داشت، اگر چه توانست خدماتی انسانی به اجتماع ارائه کند، اما پس از مدتی

مسئله ده‌شش‌تاک اعتیاد که یکی از معضلات امروز جامعه بشری است، در ایران اسلامی ابعادی فاجعه بار یافته است. پیشینه اعتیاد و مواد مخدر اگر چه در ایران به ربع قرن اخیر مختص نیست، اما بی گمان گسترش و فراگیر شدن فاجعه اعتیاد را می‌توان به ۲۵ سال اخیر، منتسب دانست. در گستره جغرافیایی ایران، کردستان از عمده مناطقی است که اعتیاد در آن نه تنها بی‌داد میکند بلکه بر ساختارهای اجتماعی و خانوادگی چنان اثر زاینباری نهاده است که نظیر آن را در ایران کم میتوان یافت و بدون شک و آشکارا بخش مهم سیاست رژیم در کردستان بر گسترش اعتیاد پایه‌ریزی شده است. گزارشات رسیده به ما از کردستان، خصوصاً از شهر سنجیدگی از آن حکایت میکند که مردم در مبارزه بر علیه اعتیاد، ابتکار مردمی و جدیدی را به نمایش نهاده‌اند.

ابتکار مردم سنجیدگی بر علیه اعتیاد را به همه کردستان گسترش دهیم

وریا محمدی

گسترش داد. عاملین پختی که نه با توصیه خانواده‌های خود، نه با توصیه انجمنهای مردمی ترک اعتیاد و نه در اثر هشدارهای مکرر حاضر به دست کشیدن از اشاعه و پخش مواد مخدر نیستند، علاوه بر آنکه باید از محلات و اجتماعات مردم طرد شوند، بلکه به خانواده‌هایشان نیز باید تفهیم کرد که در صورت ادامه ارتباط با آنها نمیتوانند عضوی پذیرفتنی در محله و جامعه باشند. باید تحت فشار مردمی قرار گیرند و خود فعالانه به مبارزه با اعتیاد و پخش مواد مخدر بپیوندند. در حالیکه عاملین مواد مخدر پس از دستگیری ۲۴ ساعت در زندان باقی نمی ماندند و زندانها بزرگترین مرکز توزیع موادند، با هجوم به پاتوقهای آنان در محلات و در سطح شهر، باید لجنزار اعتیاد و سوداگران مرگ را به مصادف طلبید. بیرون انداختن بی قید و شرط عاملین فروش موادمخدر از کوچه و محله‌های کردستان باید به یک خواست عمومی در ادامه‌ی زنجیره اقدامات تا به

بسیاری برای این بیماران اجتماعی از جمله انجمنهای ترک اعتیاد، مشاوره و ارائه کمک به هر کدام از آنها و گاه‌ها ره‌اندیش‌نشان از چنگ مأموران دولتی را نیز آزموده‌اند. کنگره نهم کومله در خصوص اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر در کردستان قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن ضمن نام بردن از اعتیاد بعنوان یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی جوانان و خانواده‌ها و مرتبط دانستن آن با بسیاری از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی این پدیده مانند فقر و بیکاری و بی‌آیندگی که مسبب اصلی خود آنها نیز رژیم جمهوری اسلامی خوانده شده، معتقد است که میدان دادن به پخش موادمخدر و گسترش دادن اعتیاد در بین جوانان کردستان یک سیاست عامدانه جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات و دیگر ارگانهای این رژیم است. لذا با توجه به این سیاست تعریف شده که خلق کرد اینک بخوبی بر آن واقف است و می‌داند که این

با عدم همکاری و موانع تراشی گوناگون از جانب ارگانهای رژیم مواجه شد، و مردم به سرعت پی بردند که ادامه چنین حرکتی با اوضاع سیاسی-اجتماعی حاضر که قدرت سیاسی آن نه تنها حاضر به هیچ نوع همکاری با آنان نیست بلکه خود از گسترش یافتن و رشد معضلاتی اینچنین در کردستان بهره‌ها خواهد برد و زمینه را برای آن فراهم کرده است، کم فایده است و لذا به فکر راهکارهای تازه و منطبق با شرایط موجود جهت برون رفت از بحران اجتماعی فعلی افتادند. مردم هوشیار که به خوبی به این سیاست واقفند و بسیاری راهها را برای مقابله و پیشگیری آزموده‌اند، اینک در سنجیدگی به شیوه جدیدی روی آورده‌اند که در آن با بیرون انداختن عاملان فروش موادمخدر که به هیچ صراطی مستقیم نیستند از محله‌ها و کوچه‌ها، با این مسئله مرزبندیهای جدیدی کرده‌اند و تاکنون در چندین محله سنجیدگی به پاتوقهای عاملین

در خصوص نقش جمهوری اسلامی برای گسترش دادن اعتیاد می‌توان گفت که طی شش، هفت سال گذشته، نقشه‌مندترین سیاستها برای فلج کردن حرکتی ضد حکومتی و ناکارآمد کردن جنبش انقلابی کردستان به اجرا در آمده است و مستقیماً اطلاعات و سپاه پاسداران عاملین و حمایت کنندگان اصلی پخش مواد مخدر بوده‌اند و این سیاست هیچگاه از دید مردم پنهان نمانده و به شیوه‌های مختلف بر علیه آن به مبارزه برخاسته‌اند. از شیوه‌ها و اقدامات

ادامه زنان و معضل دستیابی...
فرهنگ مردسالاری مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت زنان به شمار می‌رود، زیرا مردان می‌خواهند خود قدرت را قبضه کرده و از موقعیت برتری که دارند به آسانی دست نخواهند کشید. بیشتر مردان زن خانه‌دار را بر زن شاعلی ترجیح داده تا هنگام رجوع به منزل در آسایش و آرامش به استراحت پرداخته و مسئولیت بزرگ کردن بچه‌ها هم بر دوش آنها نیست. دولت‌ها هم با بی‌توجهی از کنار چنین مشکلاتی می‌گذرند زیرا دولت‌های حاکم نیز از افکار و فرهنگ مرد سالار تأثیر می‌پذیرند و هم منافع طبقات حاکم نیز در موقعیت فرو دست زنان نقش به سزایی دارد. البته نمی‌توان همه-ی دولت‌های حاکم را به یک اندازه مقصر دانست، زیرا موقعیت زنان امروز در کشورهای اروپایی پیشرفته و نسبت به جوامعی چون ایران، می‌توان گفت که وضع بهتری دارند. جمهوری خود از تضعیف کنندگان حقوق زن است. رژیمی که خود حامی فرهنگ مرد سالاری و سنتهای عقب افتاده باشد، چگونه می‌تواند بر روند رشد و پیشرفت زنان تأثیر گذار باشد؟ پس اگر دولتی مدافع



مقاله حاضر که قبلاً پخش اینترنتی شده بود، توسط رفیق علی آشنانگر با اصلاحات جزئی جهت چاپ در خبرنامه ارسال شده است. "خبرنامه"

حزب کمونیست ایران اشاعه

علی آشنانگر دهنده پاسفیسیم! (بخش اول)

قول شما "بیش از نصف جمعیت آن زیر خط فقر به سر می‌برند"

امکان دستیابی به قدرت سیاسی برای تشکلهای مترقی بیشتر است یا در جوامعی که تا حد محدودی کارگران و اقشار پایین جامعه به حق و حقوق خود دست یافته‌اند؟ نکند شما هم مانند فرقه حجتیه بر این عقیده باشید که هر چقدر دیکتاتوری و خفقان بیشتر باشد، هر چقدر ظلم و ستم بیشتر باشد به همان نسبت هم امکان بروز انقلاب دلخواه شما فراهم‌تر است؟ می‌خواهید خوراک تبلیغی خود را از سفره تهری تنگدستان تهیه نمایید؟! با این حساب که شما می‌فرمایید اکنون افغانستان دارای بهترین و مساعدرترین شرایط انقلابی است؟؟؟!

آقای مازوجی می‌گوید: "در ایرانی که کلیه امکانات برگراری جمعیت از سالنها، عمارات، امکانات مادی و فنی و مهمتر از همه فراغت کافی برای حضور و یا برگزاری این جمعیت همگی در دست صاحبان ثروت متمرکز است، کارگری که چگونه میتواند از آزادی بیان و برپایی مینگ و تجمع سودی ببرد؟! بالعجب!!!! همچنین باز هم ایشان می‌گویند: تا زمانی که مناسبات سرمایه داری دست‌نخورده باقی بماند، تا زمانی که کلیه امکانات چاپ و نشر و بزرگترین چاپخانه‌ها و ذخایر کاغذ در دست سرمایه‌داران است کارگران و تهیدستان جامعه سودی از آزادی قلم و مطبوعات نمی‌برند؟؟؟؟"

در حال حاضر در سرتاسر کره زمین همه حکومتها در دست احزاب بورژوازی است ولی میزان آزادی موجود در اجتماعات مختلف بستگی به رشد نیروهای مولده از يك سو و توازن قوا در آن جامعه را دارد، و این اشتباه محض است اگر همه این جوامع را به يك چشم دید. برای نمونه حکومت اسلامی ایران و عربستان سعودی را با حکومت سوئد یکی دانست! و در باره هر دو يك حکم صادر کرد! چون ایشان معتقدند که کارگران از آزادی مطبوعات سودی نمی‌برند پس باید

صحبت کردن از این آزادیها عوامفریبانه است!

چه کسی از دموکراسی و آزادی بیشترین سود را می‌برد؟ استثمارگران یا استثمار شوندهگان؟ آیا مخالفان دموکراسی در جبهه استثمارگران نیستند؟ علی‌الرغم مخالفت با آنان؟ آیا وقتی از دموکراسی سخن رانده میشود معنی واقعی آن یعنی آزادی بدون قید و شرط مورد نظر است یا شکلکهای که از آن ساخته‌اند؟ مخالفت با این شکلکها مخالفتی اصولی است که نباید به مخالفت با خود دموکراسی واقعی بیانجامد. ولی شما با هر نوع آزادی مخالفت می‌ورزید، به بهانه اینکه این نوع آزادیها در خدمت منافع بورژوازی است!

در حال حاضر در هیچ کجای دنیا دموکراسی به معنای واقعی آن موجود نیست، ولی در جوامع مختلف درجات متفاوتی از آن موجود است. و این نیز در هیچ جای دنیا حالت ثبوت ندارد، گاه از مقدار آن کاسته می‌شود و زمانی به آن اضافه می‌گردد. این جلو عقب رفتنها بستگی به توازن قوا بین اعمال کنندگان اصول غیر دموکراتیک و آزادی‌خواهان دارد. در جامعه‌ای هراندازه آزادی وجود داشته باشد به همان اندازه هم استثمار کمتر و شرایط کسب همسانی و جامعه‌ای عدالت‌خواه بیشتر می‌گردد. دموکراسی و آزادی در هیچ حالتی نمی‌تواند مانعی برای احقاق حقوق انسانی باشد، دموکراسی و آزادی ضرورتی است برای ادامه حیات و رهایی از استثمار! سوسیالیسم و آزادی مطلق بر هم منطبق هستند، هر اقدامی علیه آزادیهای دموکراتیک خدمتی است در راه ابقای بورژوازی!

آقای مازوجی در ایران اسلامی و انقلاب زده شما انسان هنوز فاقد هویت است، در آنجا انسان به مثابه گوسفند نگریسته می‌شود که باید چوپان و رهبری داشته باشد! تا آنها را هدایت نماید! در آنجا انسان هنوز از اولیه‌ترین حقوق خود محروم است! آیا در جامعه‌ای که هنوز حق اجتماعات حق تحزب و حق برسمیت شناخته نشده و به

آقای صلاح مازوجی در مقاله‌ای تحت عنوان جمهوری‌لانیگ و دموکراتیک، جمهوری بورژواها مقاله‌ای نوشته‌اند که میتوان آنرا سیاست حزبشان هم به حساب آورد زیرا علاوه بر اینکه ایشان از اعضای کمیته مرکزی حزب بوده بلکه عملکرد و نگرش حاکم بر حزبشان هم درست بر آنچه ایشان می‌گویند منطبق است. در این مقاله ایشان پاسفیسیم را ترویج مینمایند! و حل کلیه معضلات اجتماعی را موکول به زمانی مینمایند که حزب ایشان به کسب قدرت سیاسی نایل آید. هر نوع حرکت در جهت کاستن از درد و رنجهای اجتماعی در جامعه ایران را گامی در جهت به تعویق انداختن انقلاب و نجات سرمایه‌داری می‌دانند! ایشان در مقاله‌شان می‌گویند:

"جمهوری خواهان ایران برای ایجاد تحول در جامعه ایران اساساً بر تامین آزادیهای سیاسی تاکید میکنند. و به روشنی از آزادی بی‌حد و حصر و استثنای اندیشه، بیان، قلم، حزب و تشکل و همچنین برابری حقوق زنان و مردان سخن به میان می‌آورند. اما طرح این مطالبات و گزینایی این شعارها را نباید به حساب شهامت و آزاد منشی لبرالهای جمهوریخواه ایران گذاشت بلکه این ضعف بورژوازی ایران و حاکمیت نظامهای دیکتاتوری در ایران بوده که لبرالیسم بورژوازی ایران را در موقعیتی قرار داده که با گذشت چند قرن و در شرایط کاملاً متفاوت تاریخی و اجتماعی شعارهای کلاسیک لبرالیسم بورژوازی را تکرار کنند! ..."

طرح این نوع از شعارها از جانب لبرالهای ایران ارزش مصرفش تنها به تعویق انداختن تحول انقلابی در جامعه ایران و نجات سرمایه‌داری بحران زده ایران از خطر انقلاب است!"

ایشان معتقدند این شعارها: آزادی بدون قید و شرط، آزادی بیان، و... مربوط به چند قرن پیش بوده و اکنون دورانشان به سرآمده! این شعارها فقط برای به تعویق انداختن انقلاب از جانب بورژوازی به میدان آمده‌اند! در ایرانی که به قول آقای مازوجی شعله‌های آتش مبارزه طبقاتی به هر سو زبانه میکشد

نتیجه گرفت آزادی مطبوعات لغو باید گردد!!!!!!؟؟؟

آقای مازوجی وقتی سخن از آزادی است یعنی استفاده یکسان از امکانات اجتماعی و گرنه این که اسمش آزادی نیست! مگر درک این امر مشکل است؟! این شیوه تفکر آقای مازوجی برگرفته از تفکرات کمونیسم کارگری مبنی بر اینکه کمونیسم هم‌اکنون در ایران با دهها هزار نفر نیز قابل پیاده کردن است! میباشد. و چون این امر را قریب‌الوقوع مبینند پس نتیجه میگیرند که ایجاد رفرفر مانع از بروز انقلاب دلخواه ایشان میگردد! بهمین جهت ایشان می‌گویند: "تا زمانی که تولید مبنی بر مالکیت خصوصی ابزار تولید مناسبترین شکل تکامل نیروهای اجتماعی شمرده می‌شود صحبت کردن از آزادیهای فردی عبارتی میان تهی است!"

همچنین ایشان معتقدند که چنانکه سرنگونی جمهوری اسلامی به استقرار حکومت دلخواه وی نینجامد فایده‌ای در بر ندارد! ایشان می‌گویند:

"صحبت کردن از تامین آزادی فردی با حذف رژیم جمهوری اسلامی و حفظ مناسبات سرمایه داری همانا تلاوم به بند کشیده شدن آزادیهای فردی و فردیت است!"

این یعنی باز هم تاکید بر همسان پنداشتن همه حکومتهای این جهان است! از دیدگاه ایشان تفاوتی مابین حکومت سومالی و دولت نروژ نیست. این به معنای این است که هیچ رفرفری الا استقرار حکومت مورد نظر ایشان قابل پذیرش نیست و باید تا آن هنگام صبر کرد و به انتظار نشست! ایشان معتقدند : ایجاد تحقق پاره‌ای از برنامه‌های رفاهی برای مردم در شرایط کنونی ایران انویپک است. ایشان معتقدند راضی کردن کارگران خطر انقلاب را از سر سرمایه داران دور می‌کند! و ایشان بلافاصله دچار تناقض گویی گشته می‌گویند:

"کمونیستها مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارگران را که هم‌اکنون در چارچوب نظام سرمایه داری برای آن مبارزه میکنند بسیار مفصل در بخش حداقل برنامه خود گنجانده‌اند. سوسیالیستهای کارگری برای تحقق هر ذره از این مطالبات ارزش قایلند و برای آن مبارزه میکنند. تحقق این مطالبات حتی در کماترین شکل خود بمعنای سوسیالیسم نیست!" از کرامت شیخ ما چه عجب مشنت و او کرد و گفت و جوب!